

بررسی شخصیت و روایات علی بن محمد بن شیره القاسانی*

- محسن قاسم‌پور^۱
□ محمد سلامی‌راوندی^۲

چکیده

علی بن محمد بن شیره کاشانی، از محدثان قرن سوم، راوی احادیث فراوانی در کتب متقدم شیعه همچون محاسن و کافی است محدثان بزرگی از قم همچون احمد بن محمد بن خالد برقی، محمد بن حسن بن فروخ صفار، ابراهیم بن هاشم و فرزند او علی بن ابراهیم در شمار شاگردان او هستند، بر این اساس از طریق این راوی می‌توان به روابط بین مکتب حدیثی قم و حوزه روایی کاشان دست یافت. حضور او در مناطق گوناگون که فراگیری حدیث در آنها رواج داشته بیانگر اهتمام ویژه این محدث بر اخذ حدیث است.

در این مقاله، محل زندگی اساتید وی به مثابه احتمال حضور وی برای اخذ حدیث فرض شده است، متن مکاتبات وی با امام هادی علیه السلام بیانگر این است که وی از عالمان شیعه بوده و در محل سکونتش نزاع کلامی پیرامون صفات خداوند وجود داشته است همچنین شواهدی نیز از علاقه فراوان این محدث کاشانی به خاندان امامت ارائه شده است.

واژگان کلیدی: القاسانی، علی بن محمد، ابن شیره.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۰.

۱. دانشیار دانشگاه کاشان (ghasempour@mail.kashanu.ac.ir).

۲. دانش‌آموخته دکترا دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول) (rahyaftah@gmail.com).

مقدمه

بی‌تردید قرن سوم آغاز اوج‌گیری حوزه‌ی روایی تشیع در کاشان است در این قرن، محدثانی نام‌آور در این خطه بالیدند و پایه‌گذار حوزه‌ای شدند که بعدها در قرن پنجم و ششم افرادی همچون قطب راوندی و سید ابوالرضا راوندی - متخصص و صاحب نظر در اکثر علوم اسلامی - را تربیت کردند، از محدثان معروف قرن سوم که شیخ طوسی و نجاشی او را معرفی کرده و در اسناد برخی روایات شیعه نام او ذکر شده، علی بن محمد بن شیر کاشانی است، در مورد شخصیت علی بن محمد بن شیر کاشانی، علیرغم اینکه نزدیک به صد روایت منقول از وی در کتب اولیه و معتبر شیعه وجود دارد هیچ گونه مقاله مستقل نگاشته نشده است شناسایی شخصیت، اساتید، شاگردان و به تبع آن دسته‌بندی روایات این محدث کاشانی از مواردی است که این نوشتار در صدد بیان آن است رجالیان عناوین مختلفی برای این محدث ذکر کرده‌اند که ما در صدد توحید این عنوان به ظاهر متفاوت هستیم و در ادامه روایات این محدث کاشانی را در موضوعات مختلف دسته‌بندی کردیم تا منظومه فکری وی مشخص گردد.

۱. شخصیت‌شناسی

از محدثان معروف قرن سوم که شیخ طوسی و نجاشی او را معرفی کرده و در اسناد برخی روایات شیعه نام او ذکر شده، علی بن محمد بن شیر کاشانی است، از آنجایی که لفظ "شیره" لغتی نامأنوس است نگارنده بر این گمان است که لفظ "شیر" صحیح بوده و "هاء" در این کلمه عوض از کسره می‌باشد^۱ شیخ طوسی در رجال خود در مقام برشماری

۱. تعبیر عربی "شیره" در متون روایات، "شیرج" به معنای شیر انگور به کار رفته است (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۶۱)، و مرسوم نبوده که فردی نام فرزندش را "شیره" بگذارد. از طرفی به دلیل آشنا نبودن عرب زبانها با تعابیر فارسی، این تعابیر گاهی دچار تصحیف شده که می‌توان تعابیر "مسلّمه" و "مملّه" را از این قبیل دانست. توضیح آن که در شرح حال جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه بیان شده که پدرش را "مسلّمه" لقب می‌دادند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۲۳)، و یا در شرح حال علی بن محمد بن جعفر بن موسی بن مسرور بیان شده که پدرش را "مملّه" لقب می‌دادند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶۲)، در حالی که این عبارات، گویشی از لفظ محمد است که به دلیل آشنا نبودن عرب زبانها با این گویش، آنرا لقبی خاص قلمداد کرده‌اند. عبارت "شیر" نیز اسم کاملاً رایجی بوده و امروزه نیز ترکیب این اسم همانند "شیر محمد" و "شیر علی" رایج است. این اصطلاح نیز احتمالاً این شیر بوده همانند ابن حیدر که امروزه نیز کاربرد دارد.

أصحاب - أبوالحسن سوم - امام هادی علیه السلام در باب «عین» از علی بن شیره، یاد کرده و او را "ثقة" معرفی می‌کند (شیخ طوسی، ۱۴۲۷: ۳۸۸). بلافاصله به دنبال همین عنوان از «علی بن محمد القاسانی» اهل اصفهان نام برده او را تضعیف می‌کند همچنین او را از فرزندان «زیاد» مولی عبدالله بن عباس از خاندان «خالد بن الأزهر» می‌داند (همان: ۳۸۸).

ابن حجر عسقلانی در مورد زیاد مولی ابن عباس ذیل شرح حال و معرفی "زیاد مولی بنی مخزوم" به تفاوت این فرد با "زیاد مولی عبدالله بن عباس" اشاره و تذکر می‌دهد که اینها دو نفرند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶: ۴۹۹/۲). أحمد بن حنبل در یک مکان روایاتی را از فردی به نام «زیاد بن ابی زیاد مولی عبدالله بن عباس» می‌آورد (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ۱۳۸/۲۱ و ۳۹۶/۳۶)، در حالی که در مکانی دیگر بیان می‌کند که زیاد مولی عبدالله بن عیاش همان زیاد بن ابی زیاد میسرۀ مخزومی مدنی می‌باشد (همان: ۴۰۷/۴۳). با این توضیحات عبارت شیخ طوسی قابل تأمل است و احتمالاً نسخه‌نویسان «عیاش» را با «عباس» اشتباه گرفته‌اند به هر حال در مورد «زیاد مولی ابن عباس» تا آنجایی که در متون شیعه و اهل سنت جستجو شد مطلبی به دست نیامد.

در مورد «خالد بن الأزهر» بیان شده که او در زمان حکومت هارون الرشید حاکم اهواز بوده است (ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۴۹۶). أبوالشیخ در شرح حال محمد بن عبدالله بن الحسین ابن حفص همدانی (م ۲۸۵)، مادر وی را «نازکان» دختر خالد بن الأزهر کاشانی امیر اصفهان و اهواز می‌داند محمد بن عبدالله از درخواست خلیفه معتز بن متوکل جهت قبول منصب قضاوت اصفهان ممانعت کرد و به کاشان گریخت (ابوالشیخ، ۱۴۱۲: ۳۰۲/۳). با توجه به سال وفات نوۀ خالد یعنی محمد بن عبدالله، باید ولاء زیاد با ابن عباس را مربوط به اجداد خالد دانست که در فتح کاشان اسیر شده و به سهم ابن عباس درآمده است (صادقی، ۱۳۸۶: ۱۰۳).

رجال‌شناس متبحر و معروف شیعه نجاشی چنین می‌نویسد: "علی بن محمد بن شیره قاسانی (قاشانی) ابوالحسن فقیه، راوی احادیث بسیار و انسان دانشمند و فاضلی بود ولی أحمد بن محمد بن عیسی به وی طعن زده و بیان می‌دارد که دیدگاه‌های ناپسندی از او شنیده است اما در کتب وی مطلبی که نشانگر چنین مطلبی باشد دیده نمی‌شود" (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۵۵).

علامه حلی دو عنوان موجود در رجال طوسی را مصداق یک شخص واحد می‌داند و این مطلب را مستند به قول نجاشی می‌کند (علامه حلی، ۱۴۰۲: ۲۳۲)، توضیح آنکه علامه حلی معتقد است که ظاهراً عبارت «علی بن محمد بن شیره کاشانی» در بیان نجاشی باید ترکیبی از دو عنوان شیخ طوسی یعنی «علی بن شیره» و «علی بن محمد القاسانی» باشد.

طبق دیدگاه مرحوم خوئی، سخن نجاشی و أحمد بن محمد بن عیسی را می‌توان چنین با هم جمع کرد که این دو عنوان را یک نفر ندانیم با این حال اگر عنوان «شیره» دارای مصداقی واحد باشد «علی بن شیره» ثقة، فرزند وی و «علی بن محمد بن شیره» که تضعیف شده، نوّه او خواهد بود (خوئی، ۱۴۱۳: ۱۳ / ۱۶۰-۱۵۹).

افزون بر این، عبارت شیخ طوسی در رجال که شامل دو عنوان با حکم مجزاست بر تعدّد دلالت دارد و رجالیان به خاطر تعدّد حکم یک نفر دو عنوان متفاوت ذکر نمی‌کنند بلکه در ذیل همان عنوان اقوال مختلف را ذکر می‌کنند، مثلاً شیخ طوسی در ذیل عنوان یونس بن عبدالرحمن می‌گوید که قمی‌ها وی را تضعیف کردند در حالی که وی ثقة است همچنین در قول نجاشی تعارض وجود دارد و در این تعارض قول أحمد بن محمد بن عیسی بر اجتهاد نجاشی مقدم است زیرا أحمد معاصر اوست و بر این امر داناتر است و شهادت حسی بر اجتهاد مقدم است و اضافه بر این بسیاری از اهل تخیل همانند شلمغانی، کتب بی‌عیب و نقصی داشته‌اند (ساعدی، ۱۴۲۶: ۲ / ۴۳۳-۴۳۲).

در مقابل این نظریه با توجه به شیوه شیخ طوسی در کتاب رجال و روش وی در تبیین دیدگاه‌های رجال از مصادر متعدد می‌توان حدس زد که وی دو عنوان مذکور را از دو منبع متفاوت گرفته اما نجاشی با وقوف بر این امر هر دو عنوان را ذیل یک عنوان و به صورت ترکیبی آورده است این احتمال البته با ملاحظه اسنادی که عناوین (علی بن محمد کاشانی، علی بن شیره و علی بن محمد بن شیره)، در آنها قرار دارند و بررسی اساتید و شاگردان تقویت می‌شود و نهایتاً این نکته به دست می‌آید که هر سه عنوان فوق اسامی مختلف برای یک شخص واحد هستند.

۲. مشایخ ابن شیره

شیخ در اصطلاحات علوم حدیث معمولاً به کسی اطلاق می‌شود که راوی از وی حدیث را فرا می‌گیرد کسانی که ابن شیره از آنها روایت می‌کند عبارتند از:

۱-۲ ابویوب سلیمان بن مقبل مدنی

سلیمان بن مقبل از اصحاب امام کاظم علیه السلام است و با یک واسطه از امام رضا علیه السلام نیز روایاتی دارد (خوبی، ۱۴۱۳: ۲۹۳/۹)، احتمالاً ابن شیره در مدت اقامتش در مدینه از وی استماع حدیث کرده است، ابن شیره از این استاد خود در کتاب کافی دو روایت دارد (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/۶ و ۲۷۵).

۲-۲ سلیمان بن حفص مروزی

سلیمان بن حفص مروزی (همان: ۲۸۳/۳ و ۳۲۶)، یکی از عالمان متکلم اهل خراسان است مباحثه او با حضرت امام رضا علیه السلام در کتاب توحید مبحث بداء ذکر شده است، در اثر این مباحثه به مذهب حق روی آورده است، سلیمان بن حفص همچنین با امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام مکاتباتی داشته است (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۴/۴ باورقی ۴۵۸؛ احمدی میانجی، ۱۴۲۶: ۴/۴۵۳).

۳-۲ علی بن سلیمان

عنوان "علی بن سلیمان" در روایات متعددی وجود دارد که تعداد آنها به بیست و سه مورد می‌رسد راه تشخیص علی بن سلیمان در روایات، استفاده از راوی و مروی عنه می‌باشد علی بن سلیمانی که استاد ابن شیره است، علی بن سلیمان بن رشید است که اهل بغداد و از اصحاب امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام است و از این دو امام نیز روایاتی دارد (خوبی، ۱۴۱۳: ۴۷/۱۳ - ۴۵)، مکاتبه‌ای از وی با امام هادی علیه السلام در کتاب کافی موجود است (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۵۴۳)، با توجه به سکونت وی در بغداد سفر ابن شیره به بغداد نیز محتمل است.

۴-۲ علی بن أسباط

أبو الحسن علی بن أسباط بن سالم بیاع کوفی که از امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام روایت دارد ثقة و مورد اعتماد است او در ابتدا فطحی (معتقد به امامت عبدالله افطح)، بود ولی با ردّ و بدل شدن نامه‌هایی بین وی و علی بن مهزیار از موضع خود بازگشت و به امامت امام جواد علیه السلام معتقد شد (خوبی، ۱۴۱۳: ۱۲/ ۲۸۵ - ۲۸۴)، ابن شیراز این استاد خود در کتاب کافی دو روایت دارد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۱۶۰ و ۱۵۱/۵).

۵-۲ القاسم بن محمد

قاسم بن محمد برقی عنوانی مشترک بین هفت نفر در رجال که از راوی وی یعنی سلیمان بن داود المنقری مشخص می‌شود که منظور از وی قاسم بن محمد اصفهانی است (کلباسی، ۱۳۸۰: ۳/ ۲۲۰).

شیخ طوسی بیان می‌کند که قاسم بن محمد اصفهانی معروف به کاسولا، کتابی دارد که گروهی آن را از ابوالفضل از ابن بطة از أحمد بن ابی عبدالله از قاسم برای ما نقل کرده‌اند (شیخ طوسی، بی‌تا: ۱۲۷).

نجاشی او را قاسم بن محمد قمی، معروف به "کاسولا" معرفی می‌کند و در شرح حال او می‌نویسد که چندان مورد رضایت نیست دارای کتاب نوادر است که آن را ابن نوح از حسن بن حمزه، از ابن بطة، از برقی، از قاسم برای ما نقل کرده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۱۵)، از پسوند "کاسولا" در هر دو عبارت طوسی و نجاشی می‌توان اطمینان حاصل کرد که دو عنوان یکی می‌باشند و "قاسم بن محمد" گاهی با وصف "قمی" و گاه با وصف "اصفهانی" معرفی شده است همچنین "أحمد بن ابی عبدالله" در بیان شیخ طوسی همان "برقی" در بیان نجاشی است (کلباسی، ۱۳۸۰: ۳/ ۲۲۰).

۶-۲ محمد بن سلیمان

محمد بن سلیمان بن عبدالله الدیلمی کنیه‌اش ابو عبدالله است و در رجال غضائری نام جدّ او زکریا بیان شده است (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق: ۱۴۲)، پدر وی اهل بجیله کوفه بود و برای تجارت و خرید و فروش اسرای دیلم بین خراسان و کوفه و سایر شهرها رفت و آمد فراوانی داشت (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۸۲).

شیخ طوسی او را در شمار اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام آورده همچنین او را صاحب کتاب می‌داند و بیان می‌کند که به خاطر غلو مطرود است (شیخ طوسی، ۱۴۲۷: ۳۴۳)، در جای دیگر او را بصری و ضعیف معرفی می‌کند (همان: ۳۶۳)، نجاشی او را جداً ضعیف می‌داند که در هیچ چیز نمی‌توان به او تکیه کرد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۶۵).

در کتب روایی شیعه تنها یک روایت از طریق "علی بن شیره از محمد بن سلیمان" بیان شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۲۰۹)، به دلیل آنکه عده‌ای "علی بن شیره" و "علی بن محمد القاسانی" دو عنوان برای دو شخص متفاوت می‌دانند (خویی، ۱۴۱۳: ۱۳/۱۶۰)، بنا بر این فرض باید گفت که محمد بن سلیمان تنها استاد روایت علی بن شیره می‌باشد و "علی بن محمد القاسانی" هیچ روایتی از او ندارد.

۷-۲ محمد بن عیسی بن عبید

محمد بن عیسی بن عبید (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۳۴۴؛ صفار، ۱۴۰۴: ۶)، مولی اسد بن خزیمه، کنیه‌اش ابوجعفر، با اوصافی چون "جلیل من أصحابنا، ثقة، عین، کثیر الروایة، حسن التصانیف" ستوده شده است از امام جواد علیه السلام به هر دو صورت مکاتبه و مشافهه روایت دارد از آنجایی که او ساکن بغداد بوده (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۳۳)، حضور ابن شیره در بغداد نیز محتمل است محمد بن عیسی در کتاب کافی در یک سند مروی عنه ابن شیره (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۳۴۴)، و در محلی دیگر به عنوان راوی وی در سند قرار گرفته است (همان: ۵/۳۱۴)، هر دو روایت به صورت مکاتبه می‌باشد، احتمالاً مکاتبه کننده این مکتوب را در اختیار دیگر راویان قرار داده است.

۸-۲ زکریا بن یحیی الصیرفی

در کتب روایی شیعه تنها یک روایت از ابن شیره از او در باب نصّ بر امامت امام جواد علیه السلام وجود دارد (همان: ۱/۳۲۲)، مامقانی بیان می‌کند که تنها در روایت کلینی نامی از وی بیان شده است (مامقانی، ۱۴۳۱: ۲۸/۲۸۸)، همچنین در أعیان الشیعة در ذیل عنوان وی تنها روایت کلینی بیان شده است (امین، ۱۴۰۳: ۷/۶۷)، شوشتری بیان می‌کند که عده‌ای قائل بر اتحاد وی با "زکریا بن یحیی التمیمی" شده‌اند هرچند هر دو در طبقه

یکسان قرار دارند و از نظر اوصاف نیز یکسان هستند ولی شاهی بر این امر وجود ندارد (شوشتری، ۱۴۱۰: ۴/۴۸۱).

۳. راویان ابن شیره

دقت در اسامی راویان ابن شیره می‌رساند که محدثانی بزرگ همچون احمد بن محمد بن خالد برقی، محمد بن حسن صفار، علی بن ابراهیم و پدرش در شمار این افراد قرار دارند که خود این امر نشان‌دهنده شأن والای ابن شیره در انتقال میراث حدیثی شیعه می‌باشد، افرادی که از ابن شیره روایت می‌کنند عبارتند از:

۱-۳ احمد بن محمد بن خالد برقی

شیخ ابوجعفر، أحمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی برقی، از راویان حدیث و از علمای بزرگ شیعه در قرن سوم و یکی از اصحاب امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام است او تألیفات متعددی داشته، أحمد بن محمد بن محمد بن عیسی اشعری از راویان بزرگ شیعه در قم او را به دلیل نقل روایات مرسل و ضعیف از قم اخراج کرد اما بعدها پشیمان شد و او را به شهر بازگرداند و پابرهنه در تشیع جنازه‌اش شرکت کرد تا اهانتی را که به او کرده جبران نماید (نجاشی، ۱۳۶۵: ۷۶-۷۷؛ علامه حلی، ۱۴۰۲: ۱۴).

برقی در المحاسن خود چندین روایت از علی بن محمد القاسانی (ابن شیره) نقل کرده است هفت روایت مرسل با سند (عنه البرقی) عَنْ عَلِي بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ نَقَلَ كَرْدَهُ است (برقی، ۱۳۷۱: ۲۴۶/۱، ۲۴۳ و ۲۶۶، ح ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۹ و ۲۷۴، ح ۳۸۱ و ۳۸۷/۲، ح ۲ و ۵۲۸، ح ۷۶۵)، که در روایت آخر به جای امام صادق علیه السلام پدر عبدالله بن القاسم مطلبی را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند کلینی نیز گاه با واسطه "عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا" و گاه با واسطه "علی بن ابراهیم از پدرش" به جای "برقی"، با همین سند روایاتی در کتاب کافی ذکر کرده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۴/۱ و ۸۳/۵ و ۱۲۵).

همچنین با سندی مشابه روایتی از "محمد بن علی القاسانی" در کتاب المحاسن موجود است با توجه به اینکه راوی‌ای با این اوصاف در کتب رجالی شناخته شده

نیست و سند روایت هم مشابه سند قبلی است به احتمال قوی جابجایی در این سند رخ داده است (برقی، ۱۳۷۱: ۴۴۱/۲، ح ۳۰۶). هم چنین از طریق (عَنْهُ البرقی) عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَمِ بْنِ مُحَمَّدٍ سه روایت نقل شده که دو روایت آن از طریق "سلیمان بن داود المَنْقَرِی" است (همان: ۳۲۷/۲، ح ۸۱ و ۳۲۸، ح ۸۲ و ۳۳۰، ح ۹۴)، برقی همچنین روایتی از علی بن محمد القاسانی از سلیمان بن مقبل مدائنی نقل کرده (همان: ۴۱۶/۲، ح ۱۷۸)، که در کافی نیز موجود است (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/۲۷۵)، أحمد بن ابوعبدالله برقی به واسطه علی بن محمد القاسانی از بسطام بن مرة روایتی طبی پیرامون "کاسنی" و "تره" نقل کرده است (برقی، ۱۳۷۱: ۵۱۰/۲، ح ۶۷۷)، شیخ صدوق نیز روایاتی را از برقی از علی بن محمد القاسانی در کتاب اُمالی شیخ صدوق و عیون أخبار الرضا (شیخ صدوق، ۱۳۷۸: ۲۷۷/۱)، ذکر کرده است.

۲-۳ محمد بن الحسن بن فروخ الصفار

محمد بن حسن بن فروخ صفار (م ۲۹۰ هجری) یکی از افراد سرشناس قمی ها ثقة، جلیل القدر و "قلیل السَّقَط" در روایت است او کتب متعددی دارد که بیش از چهل عنوان دانسته شده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۵۴)، صفار در اُسناد روایات فراوانی قرار گرفته از امام حسن عسکری (ع) روایت کرده و أحمد بن داود قمی، أحمد بن محمد، جعفر بن محمد و محمد بن حسن بن أحمد بن ولید از او روایت کرده اند (خویی، ۱۴۱۳: ۱۶/۲۶۵).

صفار در بصائر الدرجات^۱ چهار روایت از کاشانی ذکر کرده است که سه روایت آن از طریق "قاسم بن محمد از سلیمان بن داود" است (صفار، ۱۴۰۴: ۶۸ و ۱۰۵ و ۴۱۳). شیخ صدوق نیز با سند «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ

۱. قمی ها، برخوردی شدید با نقل احادیث ضعیف داشتند. این دیدگاه، منجر به اخراج برخی از راویان مشهور همچون برقی توسط اشعری از شهر شد، به دنبال این دیدگاه محمد بن حسن بن ولید، استاد شیخ صدوق، با آن که همه کتاب های محمد بن حسن صفار را نقل کرده، اما کتاب بصائر الدرجات او را نقل نکرده و گویی نسبت به آن بی اعتماد بوده است، برخوردی چنین شدید و غیر متعارف نشان دهنده رواج فرهنگ نقل حدیث از افراد معتمد و ثقة در قم می باشد (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۸۰).

الْمُنْقَرِي»، در (خصال، الأمالی، علل الشرایع و ثواب الأعمال و عقاب الأعمال)، روایاتی نقل می‌کند، شیخ مفید نیز روایتی با سندی مشابه سند فوق، در کتاب الأمالی شیخ مفید ذکر کرده است.

۳-۳ ابراهیم بن هاشم و علی بن ابراهیم قمی

ابراهیم بن هاشم ابوالسحاق قمی از دانشمندان و راویان کوفی است که به قم مهاجرت کرده است کشی قائل است که او شاگرد یونس بن عبدالرحمان بوده است، اصحاب ما گفته‌اند که او نخستین کسی است که احادیث کوفیان را در قم منتشر کرد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۶)، بیشترین روایات او از طریق فرزندش علی بن ابراهیم گزارش شده است بیش از شش هزار و چهارصد روایت به نقل از او در کتب اربعه آمده است (خوبی، ۱۴۱۳: ۱ / ۲۹۱).

علی بن ابراهیم بن هاشم ابوالحسن القمی از راویان مشهور که نجاشی او را با اوصاف "ثقة في الحديث، ثبت، معتمد، صحيح المذهب، سمع فأكثر و صنف كتباً" ستوده است کتاب‌های متعددی برای او برمی‌شمارند که تفسیر علی بن ابراهیم کهن‌ترین تفاسیر روایی از جمله کتب وی می‌باشد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۶۰)، علی بن ابراهیم دوران امامت امام هادی علیه السلام، امام عسکری علیه السلام و دوران غیبت صغری را درک کرده (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۳۰۲/۴)، ولی روایت مستقیم از ائمه ندارد به گفته آقای خویی نداشتن روایت مستقیم از ائمه منافاتی ندارد با این مطلب که نامش در زمره اصحاب امامان باشد (خوبی، ۱۴۱۳: ۱۲ / ۲۰۸)، از او بیش از هفت هزار و صد روایت نقل شده است (همان: ۲۱۳).

در اسناد کافی علی بن ابراهیم روایاتی را از علی بن محمد القاسانی نقل می‌کند در برخی از این اسناد علی بن ابراهیم به طور مستقیم از کاشانی نقل روایت می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۱۳۰، ۱۶۴، ۲۶۳ و ۳ / ۱۵۳، ۲۸۳، ۳۲۶ و ۴ / ۳۷، ۵۰ و ۵ / ۱۵۱، ۳۱۴، و ۶ / ۴۵)، در یک مورد بین علی بن ابراهیم و کاشانی، "الحسن بن محمد"^۱ واسطه است (همان: ۱۶۰ / ۱).

۱. در مشایخ علی بن ابراهیم، راوی‌ای با این نام در این طبقه یافت نشد و احتمالاً سند دچار اشکال است (ر. ک: کلینی، ۱۴۲۹: ۱ / ۳۹۰ پاورقی شماره ۱).

علی بن ابراهیم همچنین روایاتی را به طور مشترک از پدرش و علی بن محمد القاسانی - جز یک مورد - از "قاسم بن محمد" نقل می‌کند (همان: ۳۲۲/۱ و ۸۸/۲، ۹۳، ۱۲۸، ۱۴۸، ۳۰۸ و...)، با توجه به کثرت این روایات حضور کاشانی در قم و کرسی تدریس روایات بسیار محتمل است همچنین در برخی دیگر از اسناد کافی، علی بن ابراهیم به واسطه پدرش ابراهیم بن هاشم - و نه به طور مستقیم - از کاشانی نقل روایت کرده است (همان: ۱۳۰/۲ و ۱۹۷/۳ و ۵۴۳/۴ و ۱۲۵/۵ و ۳۰۸/۶ و ۳۶۰/۶، ۴۷۹)، با توجه به مکاتبه‌ای بودن برخی از این روایات^۱ می‌توان این گونه برداشت کرد که ابراهیم بن هاشم، راوی برخی روایات مکاتبه‌ای است که علی بن ابراهیم خود مستقیماً به کاشانی دسترسی نداشته است.

۳-۴ سهل بن زیاد رازی

سهل بن زیاد أبوسعید آدمی رازی در حدیث ضعیف و غیرقابل اعتماد است أحمد بن محمد بن عیسی به غلو و دروغ‌گویی او شهادت داد و او را از قم به سوی ری روانه کرد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۸۵)، با دقت در کلام نجاشی این گونه حاصل می‌شود که وی در حدیث سهل قدح کرده خودش و او را در روایت غیرقابل اعتماد می‌داند بعلاوه نسبت غلو و کذب را به أحمد بن محمد بن عیسی منسوب می‌کند و خودش موضع نمی‌گیرد افزون بر این - مطلبی که کشی نیز بدان تصریح کرده^۲ - افراد بسیاری توسط قمی‌ها مخصوصاً أحمد بن محمد بن عیسی برچسب غلو خوردند و مجبور به ترک قم شدند، عملی که به نظر می‌رسد اجتهاد شخصی أحمد بن محمد و خطا و اشتباه بوده و افرادی همچون کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی از سهل حدیث نقل کردند که در نتیجه تضعیف سهل بن زیاد نمی‌تواند امری صحیح باشد (کجوری شیرازی، ۱۴۲۴: ۱۴۴).

۱. همانند این روایات: (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۹۷/۳)، مکاتبه علی بن بلال با امام هادی (علیه السلام) (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۵۴۳)، مکاتبه علی بن سلیمان با امام هادی (علیه السلام) (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۰۸/۵) مکاتبه فردی نامعلوم با امام صادق (علیه السلام).

۲. تعبیر کشی این گونه است: "فی وقت کانوا یخرجون منها من اتهموه بالغلو" (کشی، ۱۳۶۳: ۷۹۹/۲).

در مجموع روایات شیعه تنها در کتاب کافی دو روایت از سهل بن زیاد از علی بن محمد القاسانی نقل شده است در یک روایت علی بن محمد القاسانی با عبارت "أَخْبَرَنِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا" روایت را به صورت مرسل ذکر می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۹۱/۱)، و در روایت دیگر عنوان محمد بن علی القاسانی - به جای علی بن محمد - بیان شده است (همان: ۱۰۲/۱).

۵-۳ محمد بن احمد بن یحیی اشعری

محمد بن أحمد بن یحیی الأشعری القمی از راویان مشهوری است که نجاشی او را با وصف "ثقة في الحديث" ستوده است گرچه اصحاب ما گفته‌اند که او پیوسته از ضَعْفًا نقل حدیث می‌کند و بر مراسیل اعتماد می‌کند اما طعن و اشکالی بر خود وی وارد نیست (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۴۸)، شیخ طوسی نیز در فهرست خود او را با اوصاف "جلیل‌القدر، کثیرالروایات" ستوده و او را صاحب کتاب نوادرالحکمة می‌داند (شیخ طوسی، بی‌تا: ۱۴۴).

در کتاب کافی تنها یک روایت از محمد بن أحمد بن یحیی از علی بن محمد القاسانی نقل گردیده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۳۴۴)، شیخ طوسی در تهذیب الأحکام روایاتی را به واسطه محمد بن أحمد بن یحیی از علی بن محمد القاسانی نقل کرده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۱/۴۵۶ و ۲/۱۱۸، ۱۳۷ و ۶/۱۳۶، ۱۵۶)، در یک مورد متن روایت تهذیب در کافی موجود نیست و آن حدیث نکوهش خوابیدن بین نماز شب و نماز صبح است (همان: ۲/۱۳۷)، در مورد دیگر نیز گرچه متن روایت در کافی موجود است اما سند کلینی متفاوت از سند شیخ طوسی است حدیث مذکور جواز پوشاندن قبر با چوب ساج در زمین مرطوب است که در کافی با سند "علی بن ابراهیم از پدرش از علی بن محمد القاسانی" نقل شده (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۱۹۷)، در حالی که همین حدیث در تهذیب الأحکام با سند "محمد بن أحمد بن یحیی از علی بن محمد القاسانی از محمد بن محمد" نقل گردیده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۱/۴۵۶).

۶-۳ محمد بن علی بن محبوب اشعری

محمد بن علی بن محبوب اشعری قمی که نجاشی او را با اوصافی چون "شیخ

القَمِینِ فی زمانه، ثقة، عین، فقیه، صحیح المذهب" ستوده است با این توصیفات مشخص می‌شود که او در شمار علمای درجه اول شیعه در آن زمان بوده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۴۹)، در مجموعه‌های روایی شیعه در تهذیب الاحکام چند روایت فقهی به واسطه محمد بن علی بن محبوب از علی بن محمد القاسانی بیان شده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۶/ ۳۹۶ و ۱۰/ ۶۳، ۸۰).

۴. جمع‌بندی مشایخ و شاگردان

با توجه به اساتید و شاگردان ابن شیره سفر او به شهرهای مدینه، بغداد و قم محتمل است به علاوه از آنجایی که وی مناجات‌الهیات^۱ را از امام عسکری علیه السلام نقل می‌کند حضور او در سامراء نیز قطعی است همچنین با ملاحظه اسناد روایی ابن شیره مشخص گردید که سه عنوان علی بن محمد کاشانی، علی بن شیره و علی بن محمد بن شیره، عناوین متفاوت برای یک شخص واحد هستند به علاوه با بررسی روایات ابن شیره این‌گونه حاصل گردید که اکثر روایات او در محاسن برقی، کافی و دیگر مجموعه‌های حدیثی از طریق "قاسم بن محمد از سلیمان بن داود المنقری" نقل شده است، در منابع رجال سلیمان بن داود المنقری صاحب کتابی است که در طریق آن علی بن محمد القاسانی و القاسم بن محمد ذکر شده‌اند (شیخ طوسی، بی‌تا: ۷۷)، به احتمال زیاد کتاب مذکور نزد علی بن محمد القاسانی موجود بوده و اکثر روایات خود را از آن کتاب نقل کرده است نجاشی ابن شیره را صاحب کتبی می‌داند، از جمله کتاب التأیید - که همانند کتاب ابن‌خانبه شامل اعمال نمازهای پنج‌گانه و عمل روز و شب می‌باشد البته با این تفاوت که زیادتی در باب حج دارد - و کتابی جامع و بزرگ در فقه (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۵۶-۲۵۵)، با توجه به این مطلب، روایات فقهی منقول از وی در کافی و محاسن می‌تواند از کتاب وی که احتمالاً نزد محدثان قم موجود بوده نقل شده باشد اما در مورد روایات اخلاقی و سایر روایات منقول از وی به احتمال قوی سماع مستقیم شاگردان قمی وی بوده است که در صورت صحت این امر حضور علی بن محمد

۱. در ادامه مطلب بیان خواهد شد.

القاسانی در قم و داشتن کرسی تدریس روایات ثابت می‌گردد.

ممکن است تصور شود به دلیل آن که اساتید و شاگردان ابن شیره قمی بوده‌اند او نیز متعلق به حوزه حدیثی قم است ولی این استدلال به چند جهت تضعیف می‌گردد اول: آن که یک راه مهم برای کشف محل فعالیت علمی شخص همان نسبت‌هایی است که رجال‌شناسان به فرد می‌دهند همانند کوفی، بصری و قاشانی و... شیخ طوسی در شرح حال ابن شیره القاب "قاسانی" و "إصبهانی" ذکر می‌کند و نه "القمی" و "من اهل قم" (شیخ طوسی، ۱۴۲۷ق: ۳۸۸).

دوم: آن که ارتباط بین دو حوزه حدیثی قم و کاشان در آن روزگار گسترده بوده و افراد سرشناسی از حوزه قم همانند برقی در کاشان املاکی داشته‌اند (برقی، ۱۳۷۱: مقدمه ۱/ ۳۱)، که خود این امر ارتباط گسترده این دو حوزه را در آن زمان می‌رساند.

سوم: آن که ابن شیره معاصر احمد بن محمد بن عیسی اشعری بوده است در شرح حال ابن شیره ذکر شده که أحمد بن محمد بن عیسی به وی طعن زده و بیان می‌دارد که دیدگاه‌های ناپسندی از او شنیده است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۵۵)، به دلیل برخورد تند أحمد بن محمد بن عیسی با غلات و اخراج برقی از قم (ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۳۹)، در صورت سکونت ابن شیره در قم او نیز باید اخراج می‌شد که این اتفاق صورت نگرفت همه این شواهد در کنار هم ثابت می‌کند که ابن شیره متعلق به حوزه حدیثی کاشان بوده است.

۵. روایات ابن شیره

روایات ابن شیره در منابع شیعه را به جهت موضوعی می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱-۵ اخلاقی تربیتی

- وعده‌دهنده به عمل خیر، شریک عمل خیر و بالعکس (برقی، ۱۳۷۱: ۲۴۶/۱).
- دوستی نیکوکار با ابرار، پاداش ابرار و دوستی گناه کار با ابرار، فضیلت ابرار و... (همان: ۲۶۶/۱).
- هر کس محبتش را در جایگاه مناسبش ننهد، در معرض قطع رابطه قرار گرفته است (همان).

- اعلام کردن محبت، به کسی که او را دوست دارید (همان).
- بهترین شما کسی است که اطعام بدهد و بلند سلام کند و صلوات بفرستد (همان: ۲/ ۳۸۷).
- تأثیر نداشتن موعظه عالم بی عمل بر قلوب (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۴۴).
- توجه نکردن امام رضا علیه السلام به مال فراوان که فردی برای حضرت آورده بود به دلیل اینکه آورنده مال در عمل اخلاص نداشت (همان: ۱/ ۴۹۱).
- مفهوم واقعی ورع و پارسایی (همان: ۲/ ۷۷).
- صبر در حالت نیازمندی و فقر و آبرونگه داشتن و ثروتمندی (همان: ۲/ ۹۳).
- زهد نسبت به دنیا کلید حلاوت ایمان (همان: ۲/ ۱۲۸).
- بغض دنیا، برترین اعمال بعد از معرفت خدا و رسول (همان: ۲/ ۱۳۰).
- امید به خداوند و ناامیدی به معنای واقعی کلمه از مردم (همان: ۲/ ۱۴۸).
- اهتمام به امور مسلمین و خیرخواهی نسبت به آنان (همان: ۲/ ۱۶۴).
- فقر، لباس زیر و نشان مسلمین (همان: ۲/ ۲۶۳).
- معنای تعصب قومی - قبیله‌ای (همان: ۲/ ۳۰۹).
- تنها نبودن و ترس نداشتن همنشین و جلیس قرآن (همان: ۲/ ۶۰۲).
- فرود روزی برای انسان از جایی که گمان نمی برد (همان: ۵/ ۸۳).
- عمل به دستورات الهی، ترک محرّمات و مخالفت مسلمانان با بقاء ستمکاران (همان: ۵/ ۱۰۸).
- آراستگی دنیا برای انسان‌ها و برخورد متفاوت با این موضوع و اینکه مؤمن در دنیا همانند کسی است که در اضطرار قرار گرفته است (همان: ۵/ ۱۲۵).
- محبت بیشتر به فرزندان دختر (همان: ۶/ ۶).
- استحباب تعارف غذا به میهمان (همان: ۶/ ۲۷۵).
- پرهیز از مصرف بیش از حد نیاز (همان: ۶/ ۴۷۹).
- استحباب طولانی کردن سجود تا حد امکان (همان: ۸/ ۱۴۳).
- تأکید بر محاسبه اعمال قبل از قیامت و اینکه مواقف قیامت پنجاه موقف است که هر کدام هزار سال همانند سال‌های دنیا می‌باشد (همان: ۸/ ۱۴۳).

- تأکید بر رفتن به مسافرت در روز شنبه و دنبال حاجت رفتن در روز سه شنبه (همان: ۸/ ۱۴۳).
- بخشی از وصیت لقمان به فرزندش در مورد مسافرت (همان: ۸/ ۳۰۳).
- توصیه به چهار خصلت برتر، ترس از خدا در نهان و آشکار و ... (شیخ صدوق، ۱۳۶۲: ۲۴۱/۱).
- عالم واقعی، هرگز محب و دوستدار دنیا نیست (شیخ صدوق، ۱۳۸۵: ۲/ ۳۹۴).
- نکوهش خوابیدن بین نماز شب و نماز صبح (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۲/ ۱۳۷).
- دشواری دست آوردن دنیا و آخرت (همان: ۶/ ۳۷۷).
- ممنوعیت شکار جوجه پرنندگان در آشیانه مادامی که به پرواز درنیامده است (همان: ۹/ ۲۰).
- توصیه عیسی علیه السلام به اصحابش در مورد دنیا و نکوهش عالمان بدکردار (شیخ طوسی، ۱۴۱۴: ۲۰۸).
- خدا بر هر بنده‌ای حجتی دارد، یا به خاطر انجام گناه یا کوتاهی در شکر نعمت (همان: ۲۱۱).
- ایستادن بنده در موقف قیامت و رحمت‌های واسعه خداوند نسبت به بنده (کراچی، ۱۴۱۰: ۱/ ۲۲۳؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۴: ۲۱۲).
- تأمین رزق متقین از جایی که گمان نمی‌برند (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹: ۲۳۰).
- سلاح تو مقابل دشمنی که قصد غلبه بر او داری مدارا کردن و اعلام رضایت از اوست (شیخ صدوق، ۱۳۷۶: ۶۶۸).

۲-۵ فقهی

- شهود چهارگانه در باب حدّ (برقی، ۱۳۷۱: ۱/ ۲۷۴).
- علت ساقط شدن جزیه از زنان اهل ذمه (همان: ۲/ ۳۲۷).
- جواز خوردن میوه درخت برای رهگذران (همان: ۲/ ۵۲۸).
- جواز پوشاندن قبر با چوب ساج در زمین مرطوب (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/ ۱۹۷).
- عدم وجوب نماز میت بر طفل و علت آن (همان: ۳/ ۲۰۹).

- تعیین وقت نماز شب (همان: ۲۸۴/۳).
- سؤال از ذکر سجده شکر (همان: ۳۲۶/۳، ۳۴۴).
- کیفیت خواندن نماز جمعه در ازدحام جمعیت (همان: ۴۳۰/۳).
- حج الأكبر؛ روز عرفه یا عید قربان (همان: ۲۹۰/۴).
- سؤال از متوفی در عرفات، آیا به حرم منتقل شود یا خیر؟ (همان: ۵۴۳/۴).
- اقسام و وجوه جهاد در راه خدا (همان: ۹/۵).
- سؤال از چگونگی تقسیم غنایم جنگی (همان: ۴۴/۵).
- آداب تجارت (همان: ۱۵۱/۵).
- حکم ودیعه دادن دزد مسلم، مالی را به مسلمان دیگر (همان: ۳۰۸/۵).
- شرایط پذیرش بیته مرد در مقابل بیته زن در صورت تعارض (همان: ۵۶۲/۵).
- اجباری نبودن شیردهی بر مادر فرزند بر خلاف ام ولد (همان: ۴۱/۶).
- مسئولیت حضانت فرزند طلاق در کودکی با پدر یا مادر (همان: ۴۵/۶).
- حکم گریه کردن در نماز واجب (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۱۷/۲).
- فضل روزه یوم الشک قبل ماه رمضان (همان: ۱۸۳/۴).
- کیفیت و چگونگی پذیرش اسلام (همان: ۱۴۱/۶).
- کیفیت قتال مشرکین و تصرف شهرهای آنها (همان: ۱۴۲/۶).
- کیفیت قتال و جنگیدن با متجاوزین مسلمان (همان: ۱۴۴/۶).
- کیفیت تقسیم بیت المال (همان: ۱۴۶/۶).
- حکم اموال و فرزندان مشرکی که در سرزمین کفار اسلام بیاورد (همان: ۱۵۱/۶).
- ازدواج نکردن اسیر دست مشرکین و احکام مربوطه (همان: ۱۵۳/۶).
- قاعده یدکسی که چیزی در تصرف اوست، مالک آن شیء محسوب می شود تا زمانی که خلاف آن ثابت نشود (همان: ۲۶۲/۶).
- تصرف ظالمانه در ملکی که متعلق به او نیست و احکام مربوط به آن (همان: ۲۹۴/۶).
- مسئول اقامه حدود کیست؟ قاضی یا سلطان؟ (همان: ۳۱۴/۶).
- حکم ازدواج اسیر در سرزمین مشرکین به تفکیک نوع سرزمین روم، ترک، دیلم و خزر (همان: ۴۳۳/۷).

- کیفیت کفاره نذر (همان: ۳۱۶/۸).
- زناکردن با میت حد ندارد (همان: ۶۳/۱۰).
- عبارت "ای فاسق" در خطاب به شخص، موجب تعزیر است نه حد (همان: ۸۱/۱۰).
- نهی از کشتن پنج حیوان: هدهد، زنبور عسل، مورچه و... و امر به کشتن پنج موجود: کلاغ، مار، عقرب و.... (شیخ صدوق، ۱۳۷۸: ۲۷۷/۱).

۳-۵ تفسیری

- تفسیر آیه ﴿وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا﴾ (مزل/۱۰)، و توصیه به صبر در همه امور و جمیع احوال (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۸۸/۲).
- تفسیر تمام زهد در آیه ﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾ (حدید/۲۳)، و نسبت زهد با ورع، یقین و رضا (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲۸/۲).
- تفسیر آیه ﴿وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ﴾ (مؤمنون/۶۰)، به ولایت اهل بیت و کوتاهی در محبت و ولایت اهل بیت، علت ترسان بودن (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۵۷/۲).
- معنای "حال و المرتحل" یعنی کسی که قرآن را شروع و ختم می‌کند (همان: ۶۰۵/۲).
- لزوم تدبیر در آیات قرآن: زیرا آیات قرآن گنجینه‌های الهی هستند (همان: ۶۰۹/۲).
- تفسیر آیه ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ (بقره/۱۸۵)، و نزول دفعی و تدریجی قرآن و کیفیت نزول دیگر کتب آسمانی (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۲۹/۲).
- مغفرت تمامی مؤمنان و کافرانی که از موقف باز می‌گردند البته با تفاوت در نوع بخشش آنها با توجه به آیاتی از قرآن (همان: ۵۲۱/۴).
- تفسیر آیه ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ (بقره/۸۳)، درباره اهل ذمه و نسخ آن با آیه ۲۹ سوره توبه (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۱/۵).
- تفسیر آیه ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا﴾ (حجرات/۹)، و اینکه پیامبر بر تنزیل جنگید و علی علیه السلام بر تأویل جنگید و توضیحی پیرامون نبرد بصره (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۱۲).
- نمازخواندن امام علی علیه السلام و سجده کنار نخل مورد نظر (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۳/۸)، در آیه ﴿وَهَزَىٰ بِإِذِكِ النَّخْلَةَ﴾ (مریم/۲۵).

- توضیحی پیرامون حدیث ثقلین (صفار، ۱۴۰۴: ۴۱۳).
- تفسیر آیه ﴿وَيَسْتَشِیْوُنَکَ اَحَقُّ هُوَ﴾ (یونس/۵۳)، به اعلام امامت علی علیه السلام به اهل مکه (شیخ صدوق، ۱۳۷۶: ۶۷۳؛ حسانی، ۱۴۱۱: ۱/۳۵۱).

۴-۵ کلامی

- چهار خصلت برای رسیدن به استطاعت (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۶۰).
- نصّ بر امامت امام جواد علیه السلام (همان: ۱/۳۲۲).
- کیفیت خلود در بهشت و جهنم (برقی، ۱۳۷۱: ۲/۳۳۰).
- خداوند برای هر چیزی سببی قرار داده و برای هر سببی، شرحی (صفار، ۱۴۰۴: ۶).
- تعداد ملائکه بیشترند یا فرزندان آدم؟ (همان: ۶۹-۶۸).
- ائمه خزّان خداوند در آسمانها و زمین (همان: ۱۰۵).
- تقسیم‌بندی علم مردم به چهار دسته: اول شناخت خداوند و ... (شیخ طوسی، ۱۴۱۴: ۶۵۱).

۵-۵ پزشکی

- فایده تب در رفع بلا از اعضاء و جوارح انسان (شیخ صدوق، ۱۴۰۶: ۱۹۲).
- هنگام غذاخوردن بر طرف چپ خود تکیه کن (برقی، ۱۳۷۱: ۲/۴۴۱).
- کاسنی و تره حاوی قطراتی از بهشت (برقی، ۱۳۷۱: ۲/۵۱۰).
- علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله به نگرستن به ترنج سبز و سیب سرخ (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/۳۶۰).

۶-۵ تاریخی

- تعداد یاران پیامبر در جنگ بدر، احد و خندق (همان: ۵/۴۶).
- سؤال از معنای "حج الأكبر" در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله (برقی، ۱۳۷۱: ۲/۳۲۸؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۵: ۲/۴۴۲).

۶. روایت ابن شیرة از امام عسکری علیه السلام

گرچه تقریباً همه روایات ابن شیرة کاشانی از امام دهم امام هادی علیه السلام است اما وی

در سند مناجاتی معروف به "الهیات" از امام عسکری علیه السلام نیز واقع شده که اگر تصریح در متن روایت نبود شاید به تصحیف حکم می‌کردیم اما تصریح در روایت و تاریخ دقیق أخذ روایت که در متن سند موجود است جای هیچ شبهه‌ای را باقی نمی‌گذارد که ابن‌شیره در سال ۲۶۰ هجری در سامراء حضور داشته است زیرا امام حسن عسکری علیه السلام در تمام مدت امامت خویش در سامراء بوده‌اند.

توضیح مطلب آن که از مناجات‌های زیبا و پرشور امیرالمومنین علیه السلام که علاوه بر زیبایی نثر حاوی مضامین والای عرفانی و اخلاقی است، مناجات‌الهیات است.^۱ مرحوم آیت الله مرعشی این مناجات را "کبریت أحمر" و "حجر مکرم" توصیف کرده (مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ۱/ ۲۴۰)، و معتقد است که در سند این مناجات افرادی موثق و مورد اطمینان وجود دارند (همان: ۱/ ۲۷۶)، همو در باب اهمیت و اثبات حجّیت مناجات‌الهیات بحث کرده که هر محققی را از تحقیق مجدد بر روی سند این مناجات بی‌نیاز کرده و خود سندی بر اعتبار این سند است (همان: ۱/ ۲۷۹-۲۷۶).

راوی اصلی این مناجات سید ابوالرضا راوندی است این مناجات توسط خواجه عبدالحق سبزواری در قرن دهم به پارسی برگردانده شده است همو این مناجات را به الهیات نام‌گذاری کرده در حالی که در بحارالأنوار (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۱/ ۹۹)، و المصباح (کفعمی، ۱۴۰۵: ۳۶۸)، از آن با عنوان «مناجات‌امیرالمؤمنین» یاد شده است گویا مناسبت این نام‌گذاری تکرار واژه «الهی» در فرازهای این مناجات است.

این مناجات دارای دو سند تقریباً یکسان است، اسناد این مناجات این گونه نقل شده است:

۱. سید ابوالرضا راوندی از علی بن یحیی راوندی از علی بن حسن بن محمد بن أحمد بارکرزی - از نسخه‌ای به خط وی نقل می‌کنم - که خبر داد مرا علی بن محمد خلیدی کاشانی روز یکشنبه نهم ماه رمضان سال ۳۸۸ هجری از علی بن نصیر

۱. مناجات‌الهیات حضرت امیر علیه السلام همراه با رساله "ما نزل من القرآن فی علی علیه السلام" نگاشته (محمد بن عمران مرزبانی ۳۸۴ - ۲۹۷)، یکی از دست‌نوشته‌های منحصر و ارزشمند کتابخانه مجلس شورای اسلامی است که توسط خطاط شهیر قرن هفتم هجری، جمال‌الدین یاقوت مستعصمی کتابت شده و به کوشش علی اوجبی تصحیح شده است (مرزبانی، ۱۳۷۸: مقدمه، ص ۶).

قطامی روز سه شنبه ماه شعبان سال ۳۸۱ هجری از احمد بن حسن وثابی کاشانی در جرجان سال ۳۳۳ هجری از پدرش از علی بن محمد بن شیره وثابی کاشانی معروف به أعزّ از امام حسن عسکری علیه السلام از پدرانش در سال ۲۶۰ هجری در سامراء روایت می کند.^۱

۲. علی بن فضل الله حسنی فرزند سید ابوالرضا راوندی از پدرش از علی بن حسین بن محمد بارکرزی از علی بن محمد خلیدی از علی بن نصیر قطامی از احمد بن حسن وثابی کاشانی از پدرش از علی بن محمد بن شیره کاشانی از امام حسن عسکری علیه السلام از پدرانش در سال ۲۶۰ هجری در سامراء روایت می کند.^۲

تنها اختلاف موجود در دو سند این است که در سند منقول از فرزند سید ابوالرضا نام استاد پدرش یعنی علی بن یحیی از سند حذف شده گویی وی قصد تلخیص و حذف عبارات توضیحی سند را داشته که در این میان اشتباهاً نام علی بن یحیی حذف

۱. مرزبانی، ۱۳۷۸: مقدمه، ص ۱۴ - ۱۳. سلسله سند اول بنابر دستنوشته متأخر که به سال ۹۰۸ هجری توسط خواجه عبد الحق سبزواری کتابت شده است: «قال السيد الإمام، ضياء الدين، حجة الإسلام، أبو الرضا، فضل الله بن علي بن عبد الله الحسني الراوندي قدس الله روحه: أخبرني الدهخداه السعيد أبو الحسن علي بن يحيى الراوندي - رحمة الله عليه -: قال علي بن الحسن بن محمد بن أحمد الباركرزي: قلت و نقلت من نسخة بخطه قال: أخبرني أبو الحسن علي بن محمد الخليدي القاشاني يوم الأحد تاسع شهر رمضان من سنة ثمان و ثمانين و ثلاثمائة، قال: حدثني علي بن نصير القطامي يوم الثلاثاء غرة شعبان سنة إحدى و ثمانين و ثلاثمائة، قال: حدثني أحمد بن الحسن بن أحمد بن داود القاشاني الوثابي بجرجان سنة ثلاث و ثلاثين و ثلاثمائة، قال: حدثني أبي عن علي بن محمد بن شيرة الوثابي القاشاني المعروف بالأعزّ عن الإمام المعصوم المؤيد الموسوم بأبي محمد الحسن بن علي بن محمد بن علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عن أبيه عن أبائه عن أمير المؤمنين بهذه المناجاة؛ و ذلك بسرّ من رأى سنة ستين و مائتين و هي هذه».

۲. همان، مقدمه، ص ۱۴. سلسله سند دوم بنابر نقل فرزند سید ابوالرضا راوندی دستنوشته متقدم که در اواخر قرن ششم هجری کتابت شده است: «أخبرني المولى السيد، الإمام، السعيد، حجة الحق، علي بن فضل الله الحسني رضي الله عنه: قال: أخبرني مولاي و والدي - نور الله قبره - قال: أخبرني علي بن الحسين بن محمد كتيه، قال: أخبرني أبو الحسن علي بن محمد الخليدي، قال: أخبرني الشيخ أبو الحسن علي بن نصير القطامي رضي الله عنه قال: حدثني أحمد بن الحسن بن أحمد بن داود الوثابي القاشاني عن أبيه عن علي بن محمد بن شيرة القاشاني عن مولانا أبي محمد الحسن بن علي بن محمد بن علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب بسرّ مری سنة ستين و مائتين بهذه المناجاة لأمر المؤمنين».

شده است البته نسخه متقدم دارای کاستی‌های دیگری در متن نیز می‌باشد و بخش میانی مناجات در این نسخه بر اثر مرور زمان و حوادث روزگار از بین رفته است. تصحیح و مقابله متن کامل مناجات الهیات یا به تعبیر صحیح‌تر مناجات امیرالمؤمنین (علیه السلام) به روایت سید ابوالرضا راوندی با چندین نسخه و کتاب توسط آقای سعیدرضا علی‌عسکری صورت گرفته و در مجموعه میراث حدیث شیعه به چاپ رسیده است (حسنی راوندی، ۱۳۷۸: دفتر دوم / ۸۸-۵۳).

در منابع روایی شیعه قطعه‌هایی از این مناجات آمده است به عنوان نمونه در صحیفه سجاده دعای پنجاه و سوم، و در المزار به نقل از میثم تمار از امیرالمؤمنین (علیه السلام) (شهید اول، ۱۴۱۰: ۲۷۱)، نقل شده است همچنین این مناجات به صورت کامل در البلد الامین بعد از زیارات (کفعمی، ۱۴۱۸: ۳۱۱)، المصباح کفعمی و بحارالانوار به عنوان "مناجات امیرالمؤمنین مرویه عن العسکری" ذکر شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۹/۹۱). در متون اهل سنت این مناجات با کاستی‌هایی در متن و در تقدم و تأخر برخی فقرات در دستور معالم الحکم و مآثور مکارم الشیم با سند بیان شده است (قاضی قضاعی، ۱۴۱۸: ۲۶۱).

۷. مکاتبات ابن شیره

علی بن محمد بن شیره کاشانی مکاتباتی با ائمه (علیهم السلام) داشته است تعداد این مکاتبات در کتب روایی امامیه چهار عدد است که هر چهار مکاتبه با امام هادی (علیه السلام) است، در ادامه مکاتبات وی و نکاتی در این مورد ذکر می‌گردد.

۱. سهل بن زیاد از محمد بن علی القاسانی نقل می‌کند که به امام هادی (علیه السلام) نوشتم: مردم محل سکونت ما، درباره توحید اختلاف دارند، امام (علیه السلام) در پاسخ فرمودند: منزّه باد کسی که حدی ندارد، وصف نمی‌شود، مانند او چیزی نیست، شنوا و بینا است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰۲/۱).

در مکاتبه فوق در عبارت «محمد بن علی القاسانی» به احتمال قوی تصحیف از نوع جابجایی رخ داده و عبارت صحیح «علی بن محمد القاسانی» است به قرینه راوی وی سهل بن زیاد و اینکه در روایات شخصی به نام «محمد بن علی القاسانی» با این

استاد و شاگرد وجود ندارد (خوبی، ۱۴۱۳: ۵۶/۱۸)، نوع سؤال مکاتبه تلویحاً بیانگر این است که راوی از عالمان شیعه بوده و در محل سکونت وی بحث و اختلاف بر صفات خداوند وجود داشته که راوی این نامه را نگاشته است به عبارت دیگر، این بحث از دغدغه‌های مکان سکونت وی بوده و راوی به عنوان مرجع مورد رجوع مردم ترجیح داده در این امر حکم معصوم علیه السلام را نیز بداند و در اختیار دیگران قرار بدهد.

۲. محمد بن جعفر ابوالعباس کوفی از محمد بن عیسی بن عبید و علی بن ابراهیم از علی بن محمد کاشانی نقل می‌کنند که می‌گوید: «در سال ۲۳۱ هجری که در مدینه بودم به امام هادی علیه السلام نوشتم: فدایت شوم! شخصی به دیگری دستور می‌دهد کالا یا چیز دیگری برای وی خریداری کند او نیز آن را می‌خرد آن‌گاه دزد به آن می‌زند یا راهزن سر راه وی را می‌گیرد آن چیز از مال چه کسی می‌رود از مال خریدار یا کسی که درخواست خرید کرده است؟ امام علیه السلام در جواب مرقوم فرمودند: از مال دستوردهنده رفته است (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۳۱۴).

از این مکاتبه چند نکته به دست می‌آید: اول اینکه «علی بن محمد کاشانی» در سال ۲۳۱ هجری در مدینه بوده است و دوم اینکه عبارت «جعلت فداک: فدایت شوم» دال بر ارادت وی بر امام و نشانگر امامی بودن مکاتبه‌کننده است و سوم اینکه سؤال احتمالاً از جانب شخص سومی بوده و راوی مکاتبه‌کننده در مقام افتاء از امام درخواست جواب نموده است نام امام در این روایت ذکر نشده است ولی کلینی بیان می‌کند که مقصود أبوالحسن ثالث امام هادی علیه السلام است (همان).

شیخ طوسی در مصباح المتعجل بیان می‌کند که علی بن محمد کاشانی مسائلی را از امام هادی علیه السلام در سال ۲۳۴ هجری شنیده است ولی در این مورد توضیح بیشتری نمی‌دهد (شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ۱/۳۶۷)، اگر تاریخ فوق دقیق نباشد می‌توان این سؤالات را همان روایاتی دانست که کلینی از ایشان روایت کرده است اما در صورت دقیق بودن تاریخ فوق مکاتبات دیگری است که ابن شیره در سامراء از امام هادی علیه السلام شنیده است، زیرا می‌دانیم که امام هادی علیه السلام در سال ۲۲۰ هجری در مدینه به امامت رسیدند و آن حضرت سیزده سال اول امامت خود را در آن شهر سپری نمودند تا اینکه متوکل ایشان را در سال ۲۳۳ هجری از مدینه به سامراء فراخواند (سبط بن جوزی، ۱۳۷۶: ۳۲۲)، با توجه به

این مطالب ابن شیره به سامراء نیز رفته و زمانی را نیز در آن مکان حضور داشته است علاوه بر این در صورت صحت تاریخ فوق ارادت خاص ابن شیره را به امام هادی علیه السلام می‌رساند که تنها یک سال بعد از حضور امام علیه السلام در سامراء به آن شهر می‌رود، این مطلب با توجه به شرایط سخت آن زمان و جوّ اختناق حاکم در دستگاه خلافت عباسی می‌تواند قرینه‌ای بر ایمان واقعی و ولایت محوری این راوی اهل کاشان باشد.

۳. محمد بن حسن صفار از علی بن محمد کاشانی روایت می‌کند که وی در مدینه به امام هادی علیه السلام نامه نوشت و از او درباره یوم‌الاشک در ماه رمضان سؤال کرد که آیا در این روز، روزه گرفته می‌شود یا خیر؟ امام در پاسخ فرمودند: یقیناً را به خاطر شک کنار مگذار در صورت رؤیت هلال ماه رمضان روزه بگیر و در صورت رؤیت هلال ماه شوال روزه‌ات را افطار کن (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۵۹/۴).

این مکاتبه بیان می‌کند که کاشانی از مدینه به امام نامه نوشته که نام امام در متن روایت موجود نیست ولی به قرینه سایر مکاتبات - اینکه محمد بن حسن صفار مکاتباتی بطور مستقیم با امام حسن عسکری علیه السلام دارد - (خوبی، ۱۴۱۳: ۱۶/۲۶۴)، مشخص می‌شود که احتمالاً در این روایت منظور امام هادی علیه السلام است.

۴. محمد بن حسن صفار از علی بن محمد کاشانی روایت می‌کند که وی در مدینه به امام هادی علیه السلام نامه نوشت و از او درباره یوم‌الاشک علیه (بیهوش) اگر یک یا چند روز در این حالت باشد حکم واجبات فوت شده اش چیست؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: روزه چنین فردی قضا ندارد (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۴۳/۴).

این مکاتبه نیز در مدینه صورت گرفته و امام مورد سؤال نیز در این روایت امام دهم امام هادی علیه السلام است با وجود اینکه متن این روایت در تهذیب موجود است (همان)، مؤلف کتاب کاشان در مسیر تشیع در صحت انتساب این مکاتبه به کاشانی تردید کرده و بیان می‌کند که علامه حلی این مکاتبه را به کاشانی نسبت داده در حالی که در کتب دیگر همین روایت به سند «محمد بن علی بن محبوب از علی بن محمد بن سلیمان نوفلی» آمده است و عبارت «علی بن محمد بن شیره» را تصحیف شده «علی بن محمد بن سلیمان» دانسته که چنین تصحیفی در برخی روایات نیز رخ داده است و در نتیجه این مکاتبه را از کاشانی نمی‌داند (صادقی، ۱۳۸۶: ۱۰۵).

نتیجه گیری

از مجموع قرائن موجود در روایات و مکاتبات علی بن محمد بن شیره کاشانی این گونه حاصل می شود که تاریخ تولد وی حدود سال ۲۰۰ هجری و تاریخ وفات وی نیز تقریباً بین سال های ۲۶۰ تا ۲۷۰ هجری بوده است صبغة شخصیت وی با توجه به روایات منقول از وی اخلاقی - تربیتی و فقهی است، روایات فقهی منقول از وی ممکن است از کتاب فقهی بزرگ ابن شیره که احتمالاً نزد محدثان قم بوده نقل شده باشد اما سایر روایات وی به احتمال زیاد سماع مستقیم شاگردان قمی وی بوده است و در نتیجه داشتن کرسی تدریس حدیث در قم برای این محدث کاشانی ثابت می گردد، از مکاتبات ابن شیره نیز نکاتی به دست می آید: نکته اول: اینکه نوع سؤالات عادی نیست و معلوم می شود که سؤال کننده عالم شرعی و فقیه بوده است. نکته دوم: اینکه وی به عنوان یک عالم خانه نشین مطرح نبوده بلکه فقیهی بوده که در متن مردم حضور داشته و مرجعی برای سؤالات مردم بوده است از برخی اطلاعات تاریخی در مکاتبات وی حضور ابن محدث نزد امام حسن عسکری علیه السلام ثابت می شود که با توجه به جو اختناق حاکم در دستگاه خلافت عباسی می تواند قرینه ای بر ایمان واقعی و ولایت محوری این راوی اهل کاشان باشد.

کتاب نامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الأملی، تهران، انتشارات کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶.
۳. الخصال، تصحیح، علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۲.
۴. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دار الشریف الرضی، چاپ دوم، ۱۴۰۶.
۵. علل الشرائع، قم، کتاب فروشی داوری، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۶. عیون أخبار الرضا، تهران، نشر جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۷. من لا یحضره الفقیه، تصحیح، علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳.
۸. ابن حجر عسقلانی، احمد، لسان المیزان، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ سوم، ۱۴۰۶.
۹. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند، تحقیق، شعيب الأرناؤوط، بیروت، مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۱.
۱۰. ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال، تحقیق، محمدرضا حسینی جلالی، قم، دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۲.
۱۱. ابوالشیخ، عبدالله بن محمد، طبقات المحدثین بأصبهان و الواردین علیها، تحقیق، حسین بلوشی، بیروت، مؤسسة الرسالة، چاپ دوم، ۱۴۱۲.

۱۲. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، تحقیق، سید احمد صقر، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
۱۳. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الأئمة، تحقیق، مجتبی فرجی، قم، دار الحديث، چاپ اول، ۱۴۲۶.
۱۴. امین، محسن، أعيان الشيعة، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۰۳.
۱۵. آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، بیروت، دار الأضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۳.
۱۶. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، تصحیح، جلال‌الدین محدث، قم، دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
۱۷. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تصحیح، محمدباقر محمودی، تهران، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۱.
۱۸. حسنی راوندی، ضیاء‌الدین أبوالرضا، المناجات الالهيات، تحقیق، سعیدرضا علی‌عسکری، دفتر دوم، قم، دارالحديث، ۱۳۷۸.
۱۹. حلی، حسن بن یوسف، رجال، تصحیح محمدصادق بحر العلوم، قم، انتشارات رضی، چاپ دوم، ۱۴۰۲.
۲۰. خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، بی جا، چاپ پنجم، ۱۴۱۳.
۲۱. ساعدی، حسین، الضعفاء من رجال الحديث، قم، دار الحديث، چاپ اول، ۱۴۲۶.
۲۲. سبط بن جوزی، یوسف بن قُزغلی، تذکرة الخواص، قم، انتشارات شریف رضی، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۲۳. شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰.
۲۴. صادقی، مصطفی، کاشان در مسیر تشیع، قم، انتشارات شیعه شناسی، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۲۵. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، تصحیح، کوچه باغی، قم، مکتبه آية الله المرعشي النجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴.
۲۶. طباطبائی، محمد کاظم، تاریخ حدیث شیعه «۲»، قم، دار الحديث، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۲۷. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم، الشریف الرضی، چاپ چهارم، ۱۴۱۲.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، قم، دار الثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴.
۲۹. —، الفهرست، تصحیح، محمد صادق بحر العلوم، نجف: مکتبة المرتضوية، چاپ اول، بی تا.
۳۰. —، تهذیب الأحکام، تحقیق، موسوی خراسان، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷.
۳۱. —، رجال، تحقیق، جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ سوم، ۱۴۲۷.
۳۲. —، مصباح‌المتجهد و سلاح‌المتعبّد، بیروت، مؤسسة فقه الشيعة، چاپ اول، ۱۴۱۱.
۳۳. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، المزار، تحقیق، محمدباقر موحد ابیطحی، قم، مدرسه امام مهدی، چاپ اول، ۱۴۱۰.
۳۴. علی بن الحسین، زین العابدین، الصحيفة السجادية، قم، دفتر نشر الهادی، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۳۵. قضاعی، محمد بن سلامة، دستور معالم الحکم و مآثور مکارم الشیم من کلام أمير المؤمنين، بیروت، دار الأرقم بن أبی الأرقم، چاپ اول، ۱۴۱۸.
۳۶. قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة الله، قصص الأنبياء، تصحیح، غلامرضا عرفانیان، مشهد، مرکز پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹.
۳۷. کجوری شیرازی، محمد مهدی، الفوائد الرجالية، تحقیق، محمد کاظم رحمان ستایش، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۴۲۴.

۳۸. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، المصباح، قم، دار الرضی، چاپ دوم، ۱۴۰۵.
۳۹. —، البلد الامین و الدرع الحصین، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۸.
۴۰. کلباسی، محمد بن محمد ابراهیم، الرسائل الرجالية، تحقیق، محمد حسین درایتی، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۴۱. کراجکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، تصحیح عبدالله نعمة، قم، دار الذخائر، چاپ اول، ۱۴۱۰.
۴۲. کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال مع تعلیقات میر داماد الأستریادی، تحقیق، مهدی رجایی، قم، مؤسسة آل البيت، چاپ اول، ۱۳۶۳.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق، علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷.
۴۴. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۳۱.
۴۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳.
۴۶. مرزبانی، محمد بن عمران، مناجات الهیات حضرت امیر و ما نزل من القرآن فی علی علیه السلام، ترجمه علی اوجبی، تهران، وزارت ارشاد، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۴۷. مرعشی، شهاب الدین، موسوعة العلامة المرعشی، به اهتمام محمد اسفندیاری و حسین تقی زاده، قم، مکتبه آية الله المرعشی النجفی، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۴۸. مفید، محمد بن محمد، الأمالی، تحقیق، علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳.
۴۹. نجاشی، احمد بن علی، رجال، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۵.